

حکم اعدام عیسی

¹ پس پیلطس عیسی را گرفته، تازیانه زد. ² و لشکریان تاجی از خار بافته بر سرش گذاردند و جامه ارغوانی بدو پوشانیدند ³ و می گفتند: سلام ای پادشاه یهود! و طپانچه بدو میزدند. ⁴ باز پیلطس بیرون آمده، به ایشان گفت: اینک، او را نزد شما بیرون آوردم تا بدانید که در او هیچ عیبی نیافتم. ⁵ آنگاه عیسی با تاجی از خار و لباس ارغوانی بیرون آمد. پیلطس بدیشان گفت: اینک، آن انسان. ⁶ و چون رؤسای کهنه و خدام او را دیدند، فریاد برآورده، گفتند: صلیبش کن! صلیبش کن! پیلطس بدیشان گفت: شما او را گرفته، مصلوبش سازید زیرا که من در او عیبی نیافتم. ⁷ یهودیان بدو جواب دادند که: ما شریعتی داریم و موافق شریعت ما واجب است که بمیرد زیرا خود را پسر خدا ساخته است. ⁸ پس چون پیلطس این را شنید، خوف بر او زیاده مستولی گشت. ⁹ باز داخل دیوانخانه شده، به عیسی گفت: تو از کجایی؟ اما عیسی بدو هیچ جواب نداد. ¹⁰ پیلطس بدو گفت: آیا به من سخن نمی گویی؟ نمی دانی که قدرت دارم تو را صلیب کنم و قدرت دارم آزادت نمایم؟ ¹¹ عیسی جواب داد: هیچ قدرت بر من نمی داشتی اگر از بالا به تو داده نمی شد. و از این جهت آن کس که مرا به تو تسلیم کرد، گناه بزرگتر دارد. ¹² و از آن وقت پیلطس خواست او را آزاد نماید، لیکن یهودیان فریاد برآورده، می گفتند که: اگر این شخص را رها کنی، دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه سازد، برخلاف قیصر سخن گوید. ¹³ پس چون پیلطس این را شنید، عیسی را بیرون آورده، بر مسند حکومت، در موضعی که به بلاط و به عبرانی جباتا گفته می شد، نشست. ¹⁴ و وقت تهیه فصیح و قریب به ساعت ششم بود. پس به یهودیان گفت: اینک، پادشاه شما. ¹⁵ ایشان فریاد زدند: او را بردار! بردار! صلیبش کن! پیلطس به ایشان گفت: آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟ رؤسای کهنه جواب دادند که: غیر از قیصر پادشاهی نداریم. ¹⁶ آنگاه او را بدیشان تسلیم کرد تا مصلوب شود. پس عیسی را گرفته بردند.

عیسی بر صلیب و مرگ او

¹⁷ و صلیب خود را برداشته، بیرون رفت به موضعی که به جُمُجه مسمی بود و به عبرانی آن را جُلُجتا

الحکم على يسوع

¹ فَجَبَّذَ أَخَذَ بِيَلَاطُسُ يَسُوعَ وَخَلَدَهُ. ² وَصَفَرَ الْعَسْكَرُ إِكْلِيلًا مِنْ شَوْكٍ وَوَضَعُوهُ عَلَى رَأْسِهِ وَالْبَسُوهُ ثَوْبَ أَرْجَوَانٍ، وَكَانُوا يَقُولُونَ: السَّلَامُ، يَا مَلِكُ الْيَهُودِ، وَكَانُوا يَطْمُؤُهُ. ³ فَخَرَجَ بِيَلَاطُسُ أَيْضًا خَارِجًا وَقَالَ لَهُمْ: هَا أَنَا أَخْرِجُهُ إِلَيْكُمْ لِتَعْلَمُوا أَنِّي لَسْتُ أَجِدُ فِيهِ عِلَّةً وَاحِدَةً. ⁴ فَخَرَجَ يَسُوعُ خَارِجًا وَهُوَ حَامِلٌ إِكْلِيلَ الشَّوْكِ وَثَوْبَ الْأَرْجَوَانِ، فَقَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: هُوَذَا الْإِنْسَانُ. ⁵ فَلَمَّا رَأَهُ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْخُدَّامُ صَرَخُوا: اضْلِبْهُ، اضْلِبْهُ. قَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: خُذُوهُ أَنْتُمْ وَاضْلِبُوهُ لَأَنِّي لَسْتُ أَجِدُ فِيهِ عِلَّةً. ⁶ أَجَابَهُ الْيَهُودُ: لَنَا تَامُوسُ وَحَسَبَ تَامُوسِنَا يَجِبُ أَنْ يَمُوتَ لِأَنَّهُ جَعَلَ نَفْسَهُ ابْنَ اللَّهِ. ⁷ فَلَمَّا سَمِعَ بِيَلَاطُسُ هَذَا الْقَوْلَ ارْتَدَّ خَوْفًا. ⁸ قَدَحَلْ أَيْضًا إِلَى دَارِ الْوَلَايَةِ وَقَالَ لِيَسُوعَ: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ وَأَمَّا يَسُوعُ فَلَمْ يُعْطِهِ جَوَابًا. ⁹ فَقَالَ لَهُ بِيَلَاطُسُ: أَمَّا تُكَلِّمُنِي؟ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنَّ لِي سُلْطَانًا أَنْ أَضْلِبَكَ وَسُلْطَانًا أَنْ أَطْلِقَكَ؟ ¹⁰ أَجَابَ يَسُوعُ: لَمْ يَكُنْ لَكَ عَلَيَّ سُلْطَانٌ أَلَيْتَ لَوْ لَمْ تَكُنْ قَدْ أُعْطِيتَ مِنْ قَوْفٍ. لِذَلِكَ الَّذِي أَسْلَمَنِي إِلَيْكَ لَهُ خَطِيئَةٌ أَعْظَمُ. ¹¹ مِنْ هَذَا الْوَقْتِ كَانَ بِيَلَاطُسُ يَطْلُبُ أَنْ يُطْلِقَهُ وَلَكِنَّ الْيَهُودَ كَانُوا يَصْرُخُونَ قَائِلِينَ: إِنْ أَطْلَقْتَ هَذَا فَلَسْتُ مُجَبًّا لِقَيْصَرٍ، كُلُّ مَنْ يَجْعَلُ نَفْسَهُ مَلِكًا يُقَاوِمُ قَيْصَرَ. ¹² فَلَمَّا سَمِعَ بِيَلَاطُسُ هَذَا الْقَوْلَ أَخْرَجَ يَسُوعَ وَجَلَسَ عَلَى كُرْسِيِّ الْوَلَايَةِ فِي مَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ الْبَلَاطُ وَالْعِبْرَانِيَّةُ: جَبَاتَا. ¹³ وَكَانَ اسْتِعْدَادُ الْفِصْحِ وَتَحُو السَّاعَةِ السَّادِسَةِ، فَقَالَ لِّلْيَهُودِ: هُوَذَا مَلِكُكُمْ. ¹⁴ فَصَرَخُوا: خُذْهُ، خُذْهُ، اضْلِبْهُ. قَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: أَأَضْلِبُ مَلِكُكُمْ؟ أَجَابَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ: لَيْسَ لَنَا مَلِكٌ إِلَّا قَيْصَرُ. ¹⁵ فَجَبَّذَ أَسْلَمَهُ إِلَيْهِمْ لِيُضْلَبَ. فَأَخَذُوا يَسُوعَ وَمَضُوا بِهِ.

صلب يسوع

¹⁶ فَخَرَجَ وَهُوَ حَامِلٌ صَلِيبَهُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُقَالُ لَهُ مَوْضِعُ الْجُمُجَةِ وَيُقَالُ لَهُ بِالْعِبْرَانِيَّةِ: جُلُجَتَا، حَيْثُ صَلَبُوهُ وَضَلَبُوا اثْنَيْنِ آخَرَيْنِ مَعَهُ مِنْ هُنَا وَمِنْ هُنَا، وَيَسُوعُ فِي الْوَسْطِ. ¹⁷ وَكَتَبَ بِيَلَاطُسُ عُتْوَانًا وَوَضَعَهُ عَلَى الصَّلِيبِ، وَكَانَ مَكْتُوبًا: يَسُوعُ النَّاصِرِيُّ مَلِكُ الْيَهُودِ. ¹⁸ فَقَرَأَ هَذَا الْعُتْوَانُ كَثِيرُونَ مِنَ الْيَهُودِ لِأَنَّ الْمَكَانَ الَّذِي صَلِبَ فِيهِ يَسُوعُ كَانَ قَرِيبًا مِنَ الْمَدِينَةِ، وَكَانَ مَكْتُوبًا بِالْعِبْرَانِيَّةِ وَالْيُونَانِيَّةِ

می‌گفتند.¹⁸ او را در آنجا صلیب نمودند و دو نفر دیگر را از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان.¹⁹ و پیلطس تقصیرنامه‌ای نوشته، بر صلیب گذارد؛ و نوشته این بود: عیسی ناصری پادشاه یهود.²⁰ و این تقصیر نامه را بسیاری از یهود خواندند، زیرا آن مکانی که عیسی را صلیب کردند، نزدیک شهر بود و آن را به زبان عبرانی و یونانی و لاتینی نوشته بودند.²¹ پس رؤسای کهنه یهود به پیلطس گفتند: منویس پادشاه یهود، بلکه که او گفت: منم پادشاه یهود.²² پیلطس جواب داد: آنچه نوشتیم، نوشتیم.²³ پس لشکریان چون عیسی را صلیب کردند، جامه‌های او را برداشته، چهار قسمت کردند، هر سپاهی را یک قسمت؛ و پیراهن را نیز، اما پیراهن درز نداشت، بلکه تماماً از بالا بافته شده بود.²⁴ پس به یکدیگر گفتند: این را پاره نکنیم، بلکه قرعه بر آن بیندازیم تا از آن که شود. تا تمام گردد کتاب که می‌گوید: در میان خود جامه‌های مرا تقسیم کردند و بر لباس من قرعه افکندند. پس لشکریان چنین کردند.

²⁵ و پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلویا و مریم مَجْدَلِیَّه ایستاده بودند.²⁶ چون عیسی مادر خود را با آن شاگردی که دوست می‌داشت ایستاده دید، به مادر خود گفت: ای زن، اینک، پسر تو!²⁷ و به آن شاگرد گفت: اینک، مادر تو! و در همان ساعت آن شاگرد او را به خانه خود برد.

²⁸ و بعد چون عیسی دید که همه چیز به انجام رسیده است تا کتاب تمام شود، گفت: تشنه‌ام.²⁹ و در آنجا طرفی پُر از سرکه گذارده بود. پس اسفنجی را از سرکه پُر ساخته، و بر زوفا گذارده، نزدیک دهان او بردند.³⁰ چون عیسی سرکه را گرفت، گفت: تمام شد. و سر خود را پایین آورده، جان بداد.

³¹ پس یهودیان تا بدن‌ها در روز سَبْت بر صلیب نماند، چونکه روز تَهَّه بود و آن سَبْت، روز بزرگ بود، از پیلطس درخواست کردند کهساق پایهای ایشان را بشکنند و پایین بیاورند.³² آنگاه لشکریان آمدند و ساقهای آن اول و دیگری را که با او صلیب شده بودند، شکستند.³³ اما چون نزد عیسی آمدند و دیدند که پیش از آن مرده است، ساقهای او را نشکستند.³⁴ لکن یکی از لشکریان به پهلوی او نیزهای زد که در آن

وَاللَّاتِيئَةِ.²¹ فَقَالَ رُؤَسَاءُ كَهَنَةِ الْيَهُودِ لِبِيلَاطُس: لَا تَكُنْ مَلِكُ الْيَهُودِ، بَلْ إِنَّ ذَاكَ قَالَ: أَنَا مَلِكُ الْيَهُودِ.²² أَجَابَ بِيلَاطُس: مَا كُنْتُ قَدْ كُنْتُ. ثُمَّ إِنَّ الْعَسْكَرَ لَمَّا كَانُوا قَدْ صَلَبُوا يَسُوعَ أَخَذُوا ثِيَابَهُ وَجَعَلُوهَا أَرْبَعَةَ أَفْسَامٍ، لِكُلِّ عَسْكَرِيٍّ قِسْماً، وَأَخَذُوا الْقَمِيصَ أَيْضاً. وَكَانَ الْقَمِيصُ بِغَيْرِ خِيَاطَةٍ مُنْسُوجاً كُلُّهُ مِنْ قَوْفٍ.²⁴ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: لَا نَشَقُّهُ بَلْ نَقْتَرِعْ عَلَيْهِ لِمَنْ يَكُونُ، لِيَتِمَّ الْكِتَابُ الْقَائِلُ: "أَقْسَمُوا ثِيَابِي بَيْنَهُمْ وَعَلَى لِبَاسِي أَلْقُوا قُرْعَةً". هَذَا فَعَلَهُ الْعَسْكَرُ.²⁵ وَكَانَتْ وَاقِعَاتٌ عِنْدَ صَلِيبِ يَسُوعَ أُمُّهُ وَأَخْتُ أُمِّهِ، مَرْيَمُ زَوْجَةُ كَلُوبَا، وَمَرْيَمُ الْمَجْدَلِيَّةِ.²⁶ فَلَمَّا رَأَى يَسُوعُ أُمَّهُ وَالتِّلْمِيذَ الَّذِي كَانَ يُحِبُّهُ وَاقِعاً قَالَ لِأُمِّهِ: يَا امْرَأَتِي، هُوَذَا ابْنُكَ.²⁷ ثُمَّ قَالَ لِلتِّلْمِيذِ: هُوَذَا أُمُّكَ. وَمِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ أَخَذَهَا التِّلْمِيذُ إِلَى خَاصَّتِيهِ.

موت يسوع

²⁸ بَعْدَ هَذَا رَأَى يَسُوعُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ قَدْ كَمَلَ فَلِكَيْ يَتِمَّ الْكِتَابُ قَالَ: أَنَا عَطِشَانٌ. وَكَانَ إِنَاءٌ مَوْضُوعاً مَمْلُؤاً خَلاً، فَضَلُّوا إِسْفِنْجَةً مِنَ الْخَلِّ وَوَضَعُوهَا عَلَى زُوفَا وَقَدَّمُوهَا إِلَى فَمِهِ.³⁰ فَلَمَّا أَخَذَ يَسُوعُ الْخَلَّ قَالَ: قَدْ أَكْمَلَ، وَتَوَكَّسَ رَأْسُهُ وَأَسْلَمَ الرُّوحَ.

³¹ ثُمَّ إِذْ كَانَ اسْتَعِذَّادٌ فَلِكَيْ لَا تَبْقَى الْأَجْسَادُ عَلَى الصَّلِيبِ فِي السَّبْتِ، لِأَنَّ يَوْمَ ذَلِكَ السَّبْتِ كَانَ عَظِيماً، سَأَلَ الْيَهُودُ بِيلَاطُسَ أَنْ تُكْسَرَ سِيقَانُهُمْ وَيُرْفَعُوا.³² فَأَتَى الْعَسْكَرُ وَكَسَرُوا سَاقِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ، الْمُصْلُوبِ مَعَهُ. وَأَمَّا يَسُوعُ فَلَمَّا جَاءُوا إِلَيْهِ لَمْ يَكْسِرُوا سَاقِيهِ لِأَنَّهُمْ رَأَوْهُ قَدْ مَاتَ،³⁴ لَكِنَّ وَاحِداً مِنَ الْعَسْكَرِ طَعَنَ جَنْبَهُ بِخَرِيَّةٍ وَلِلْوَقْتِ خَرَجَ دَمٌ وَمَاءٌ.³⁵ وَالَّذِي عَايَنَ شَهِدَ وَشَهِدَ أَنَّهُ حَقٌّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ لِئُؤْمِنُوا أَنْتُمْ. لِأَنَّ هَذَا كَانَ لِيَتِمَّ الْكِتَابُ الْقَائِلُ: "عَظْمٌ لَا يُكْسَرُ مِنْهُ".³⁷ وَأَيْضاً يَقُولُ كِتَابُ آخَرٍ: "سَيَنْظُرُونَ إِلَى الَّذِي طَعَنُوهُ".

دفن يسوع

³⁸ ثُمَّ إِنَّ يُوسُفَ الَّذِي مِنَ النِّزَامَةِ، وَهُوَ تَلْمِيذُ يَسُوعَ وَلَكِنْ خَفِيَّةٌ لِسَبَبِ الْخَوْفِ مِنَ الْيَهُودِ، سَأَلَ بِيلَاطُسَ أَنْ يَأْخُذَ جَسَدَ يَسُوعَ، فَإِذَنْ بِيلَاطُسُ فَجَأَ وَأَخَذَ جَسَدَ يَسُوعَ.³⁹ وَجَاءَ أَيْضاً نِيقُودِيمُوسُ، الَّذِي أَتَى أَوَّلًا إِلَى يَسُوعَ لَيْلًا، وَهُوَ حَامِلٌ مَرْيَجٍ مُرٍّ وَعُودٍ تَجْوِ مِئَةٍ مَنًا.⁴⁰ فَأَخَذَا جَسَدَ يَسُوعَ وَلَقَّاهُ بِأَكْفَانٍ مَعَ الْأَطْيَابِ كَمَا لِلْيَهُودِ عَادَةٌ أَنْ يُكْفَنُوا.⁴¹ وَكَانَ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي صُلب

فِيهِ بُسْتَانٌ وَفِي الْبُسْتَانِ قَبْرٌ جَدِيدٌ لَمْ يُوَضَّعْ فِيهِ أَحَدٌ قَطُّ.⁴² فَهَذَاكَ وَضَعَا يَسُوعَ لِسَبَبِ اسْتِغْدَارِ الْيَهُودِ لَأَنَّ الْقَبْرَ كَانَ قَرِيبًا.

ساعت خون و آب بیرون آمد.³⁵ و آن کسی که دید شهادت داد و شهادت او راست است و او می‌داند که راست می‌گوید تا شما نیز ایمان آورید.³⁶ زیرا که این واقع شد تا کتاب تمام شود که می‌گوید: استخوانی از او شکسته نخواهد شد.³⁷ و باز کتاب دیگر می‌گوید: آن کسی را که نیزه زدند خواهند نگریست.

دفن عیسی

³⁸ و بعد از این، یوسف که از اهل رامه و شاگرد عیسی بود، لیکن مخفی به سبب ترس یهود، از پیلاتس خواهش کرد که جسد عیسی را بردارد. پیلاتس إذن داد. پس آمده، بدن عیسی را برداشت.³⁹ و نیکودیموس نیز که اوّل در شب نزد عیسی آمده بود، مُرّ مخلوط با عود قریب به صد رطل با خود آورد.⁴⁰ آنگاه بدن عیسی را برداشته، در کفن با حنوط به رسم تکفین یهود پیچیدند.⁴¹ و در موضعی که مصلوب شد باغی بود و در باغ، قبر تازه‌ای که هرگز هیچ‌کس در آن دفن نشده بود.⁴² پس به سبب تهیّه یهود، عیسی را در آنجا گذاردند، چونکه آن قبر نزدیک بود.